

شاپور بختیار که بود؟

۱۷ تیر ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۰۲

شاپور بختیار فرزند محمد رضا (سردار فاتح بختیاری) و ناز بیگم در سال ۱۲۹۴ شمسی در منطقه چهارمحال و بختیاری به دنیا آمد. او نوه صمصام السلطنه بود که در سالهای پس از مشروطه دو بار به نخست وزیری رسید.

شاپور بختیار فرزند محمد رضا (سردار فاتح بختیاری) و ناز بیگم در سال ۱۲۹۴ شمسی در منطقه چهارمحال و بختیاری به دنیا آمد. او نوه صمصام السلطنه بود که در سالهای پس از مشروطه دو بار به نخست وزیری رسید. تحصیلات ابتدایی اش را در شهرکرد و نیمی از تحصیلات متوسطه را در اصفهان گذراند. و دوران دبیرستان را در مدرسه فرانسوی بیروت با اخذ دیپلم ریاضی به پایان رساند. ۱.

سال ۱۳۱۳ برای کسب تحصیلات عالی رهسپار فرانسه شد اما به دلیل اطلاع از اعدام چهار تن از اعضای خانواده اش در نتیجه اختلاف میان رضا شاه و عشایر، مجبور شد به ایران بازگردد و بعد از گذشت دو سال، مجدداً به فرانسه مراجعت کرد و با دریافت دکترای حقوق بین الملل از دانشگاه سوربن راهی وطن شد و به استخدام وزارت کار و تبلیغات درآمد. در زمان نخست وزیری دکتر مصدق معاونت وزارت کار را به عهده داشت و تا زمان وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در همان سمت انجام وظیفه نمود. بعد از کودتا به همراه چند تن از پیروان مصدق از جمله مهندس بازرگان در تشکیل کمیته‌ای سری با نام نهضت مقاومت ملی همکاری داشت. ۲.

بختیار در جریان محاکمه مصدق در سال ۱۳۳۳ به اتهام اخلاف گری و توهین به مقام سلطنت بازداشت و به سه سال زندان تأدیبی محکوم گردید. اما پس از دو سال مورد عفو قرار گرفت و پس از آزادی از کارهای دولتی کناره گرفت و به عنوان عضو جبهه ملی به فعالیتهای مخفی پرداخت. در سال ۱۳۴۱ به دلیل مخالفت جبهه ملی با رفراندوم ششم بهمن به همراه عده‌ای دیگر از اعضای جبهه ملی دستگیر و تا شهریور ۱۳۴۲ در زندان به سر برد.

چهارده سال بعد همزمان با تشدید مبارزات ضد استعماری و اوج گیری حرکت‌های انقلابی مردم علیه حکومت شاه، که فعالین

سیاسی فرصتی برای طرح دیدگاههای خود به دست آوردند، بختیار و تنی چند از رجال سیاسی طی نامه سرگشاده‌ای به شاه با انتقاد از وضعیت نابسامان سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور، خواهان انجام اصلاحات اساسی در حکومت شدند.

به دنبال ناکامی رژیم شاه در برنامه مهار انقلاب اسلامی که با تغییر سیاستها و کابینه‌ها همراه بود، رژیم با پیروی از خط مشی حاکمان ایالات متحده آمریکا توجه خود را به استفاده از شخصیت‌های ملی و غیر انقلابی معطوف ساخت. اغلب این افراد با توجه به اوضاع بحرانی کشور در به دست گرفتن زمام امور، واقع بینانه برخورد نموده به درخواست رژیم پاسخ منفی دادند. در این میان شاپور بختیار نخست وزیری را پذیرفت.

او آخرین امید شاه و دستگاه حکومتی آمریکا برای نجات سلطنت پهلوی بود. بعد از سقوط دولت ازهارى در موقعیتی که انقلاب به روزهای اوج و پیروزی خود نزدیک می‌شد بختیار پیشنهاد شاه برای احراز مقام نخست وزیری را طی شرایطی پذیرفت و علی رغم طرد شدن از سوی جبهه ملی کابینه خود را در روز شانزدهم دی ماه ۱۳۵۷ به شاه معرفی کرد.۳

بختیار در نخستین روزهای زمامداری، دیدگاههای خود را درباره دولت و برنامه‌های آینده‌اش طی یک سخنرانی اعلام نمود تا شاید بتواند آرامشی در کشور ایجاد نماید. پس از قطعی شدن نخست وزیری بختیار امام خمینی (ره) واکنش صریح و قاطعی از خود نشان دادند و دولت او و مجلسین را غیر قانونی خواندند.

بختیار روز ۲۱ دی ماه ۱۳۵۷ در مجلس شورای ملی حضور یافت و ضمن معرفی وزیران خود رئیس برنامه دولت را به اطلاع نمایندگان رساند.۴

انحلال ساواک، محاکمه سریع غارتگران، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و لغو تدریجی حکومت نظامی برخی از رؤس برنامه‌های فوری دولت در سیاست داخلی بود. طبق قول و قرار شاه و بختیار مادام که مجلسین به دولت بختیار رأی اعتماد نداده‌اند شاه تهران را ترک نکند.

سرانجام روز ۱۶ دی ماه ۱۳۵۷ شاه با چشمانی گریان کشور را ترک کرد. صرفنظر از خوش بینیهای سیاسی بختیار برای تداوم حکومتش، خروج شاه یک رخداد مهم در فرآیند انقلاب اسلامی بود و طلوع بهار آزادی شمرده می‌شد.

همزمان با خروج شاه از ایران امام خمینی (ره) طی یک سخنرانی در نوفل لوشاتو متذکر شدند که آمریکا سقوط شاه را قطعی تلقی می‌کند و اینک راه تازه‌ای در پیش گرفته و به جای شاه از دولت بختیار پشتیبانی می‌کند تا رژیم او را حفظ و مردم را آرام نماید.

امام خمینی (ره) از مردم خواست تا با تظاهرات و ابراز نارضایتی علیه دولت بختیار به پا خیزند تا موجبات سقوط دولت او را فراهم

آورند. مخالفت امام (ره) با حکومت بختیار موج جدیدی از مبارزات مردم را به دنبال داشت. شدت اعتراضات به حدی بود که کارکنان وزارتخانه‌ها از پذیرفتن وزرای جدید خودداری نمودند و عملاً از اعضای کابینه سلب اعتماد و اختیار شد.

در این میان تلاشهای بختیار برای ملاقات با امام (ره) و جلب موافقت ایشان با ابقای دولت خود تا انجام فراندوم درباره نظام سیاسی آینده مملکت نتیجه‌ای نبخشید. شرط امام (ره) برای پذیرفتن بختیار استعفای او بود. حساس ترین مسئله‌ای که بختیار پس از خروج شاه از ایران با آن رو به رو شد راهپیمایی روز اربعین ۲۹ دی ماه ۱۳۵۷ بود که مردم با تظاهرات میلیونی ضمن مخالفت با دولت بختیار و غیر قانونی دانستن آن خواهان تشکیل جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) شدند.

فردای آن روز امام (ره) طی پیامی اعلام نمودند که به زودی به کشور باز می‌گردند. در این میان بختیار با بستن فرودگاه مهرآباد تهران بر روی پروازهای خارجی در صدد برآمد تا از مراجعت امام (ره) به ایران جلوگیری کند. ولی این تدبیر نابخردانه بر نا آرامی کشور افزود و او در همان روز اعلام کرد: «آیت الله خمینی هر وقت اراده نمایند می‌توانند به وطن بازگردند».

امام خمینی (ره) در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در میان استقبال عظیم مردم وارد تهران شدند و طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی در مدرسه شماره دو علوی اعلام نمودند که دولت بختیار باید کنار برود و دولت موقت تعیین شود. شاپور بختیار در پاسخ به اظهارات امام (ره) اعلام کرد حاضر به همکاری با طرفداران ایشان می‌باشد ولی اجازه تشکیل دولت موقت را نمی‌دهد. شورای انقلاب پس از بحث و گفت و گو مهندس مهدی بازرگان را به عنوان نخست وزیر دولت موقت به امام (ره) پیشنهاد نمود. با اعلام تعیین دولت موقت واکنش بختیار شدیدتر شد و بلافاصله اظهار کرد که در ایران تنها یک حکومت وجود خواهد داشت و امام (ره) در پاسخ، ضمن تأیید گفته وی اضافه نمودند آن دولتی که قانونی است باید بماند.

۲۱ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ روز نبرد همه جانبه مردم با قوای دولتی بود و در روز ۲۲ بهمن با اعلام بیطرفی ارتش از سوی شورای فرماندهی نیروهای مسلح دولت ۳۷ روزه بختیار سقوط کرد و عمر رژیم شاهنشاهی به پایان رسید. بختیار پس از فرار از کاخ نخست وزیری حدود شش ماه در خانه یکی از آشنایان خود مخفی شد و سپس با گذرنامه جعلی و تغییر قیافه از ایران خارج شد و به اروپا گریخت. ۵ و سرانجام سال ۱۳۷۰ در ویلای مسکونی‌اش در حومه پاریس به قتل رسید

